

## چالش‌های منطقه‌ای اقتصاد سیاسی سیاست خارجی ج.ا.ایران در تحقق

### الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت؛ دلایل و راهکارها

رحمان حبیبی<sup>۱</sup>

#### چکیده

هر الگوی پیشرفت ضمن توجه به امکانات داخلی و الزاماتی برای آن در امر ترقی، به محیط خارجی و بیرون مرزها نیز توجه دارد. در این دو محیط علاوه بر آنکه پیشرانها و منابعی برای تسهیل در فرایند پیشرفت وجود دارد باید به موانعی که تحقق این الگو را دچار مشکل می‌کند نیز توجه شود. این موانع همانند امکانات می‌توانند در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی فرایند پیاده‌سازی الگوها را تحت تأثیر قرار دهند. آنچه در این پژوهش موردتوجه قرار می‌گیرد بحث موانع در سطح منطقه‌ای است. در این راستا، پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که اقتصاد سیاسی سیاست خارجی ج.ا.ایران در تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت با چه چالش‌هایی در سطح منطقه مواجه است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بحران نظامی‌گری در منطقه که ناشی از اقدامات قدرت‌های فرا منطقه‌ای و سوءبرداشت از رفتارهای ایران است، تأثیر درآمدهای حاصل از نفت بر جهت‌گیری‌های سیاسی و همچنین توسعه مرادوات تجاری و اقتصادی ضعیف با همسایگان؛ از چالش‌های منطقه‌ای سیاست خارجی در تحقق بعد اقتصادی الگوی پیشرفت شناخته می‌شوند. ارائه تصویری روشن از ج.ا.ایران در میان کشورهای منطقه، فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی و همچنین چندجانبه‌گرایی و توسعه پیوندهای راهبردی با همسایگان؛ از جمله ضرورت‌های سیاست خارجی در راستای تحقق این الگو محسوب می‌شوند. در این پژوهش سعی می‌شود با رهیافت اقتصاد سیاسی و روش توصیفی-تحلیلی موضوع مذکور موردبررسی قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی، الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، نظامی‌گری در منطقه، درآمدهای

نفی، همسایگان.

#### ۱. مقدمه

امروزه هدف بسیاری از کشورها و پویایی‌هایی که در نظام بین‌المللی وجود دارد ناشی از تلاش کشورها برای توسعه اقتصادی است. در واقع اکثر دولت‌ها به دنبال این هستند که با افزایش پروژه‌ها در داخل و خارج از کشور بسترهای توسعه پایدار را فراهم نمایند. توسعه می‌تواند به‌عنوان فرایندی درک شود که از یک سو در پی افزایش و استفاده از منابع موجود

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی، r.habibi7234@gmail.com

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

به منظور اطمینان از تعامل بیشتر و مطلوب تر در بازارهای جهانی است و از سوی دیگر شرایطی را برای مردم از طریق افزایش درآمد سرانه، بهبود دستمزدها و کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی ایجاد می‌کند (Spohr & Silva, 2017: 158). در بند ۳۲ محور «تدابیر» سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به «بهره‌گیری از دیپلماسی فعال اقتصادی در کسب فناوری‌های پیشرفته و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات و حمایت از صادرات تولیدات داخلی با ارزش افزوده» اشاره شده است. در این راستا، نقش سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی در تحقق آن می‌تواند مهم باشد. سیاست خارجی از یک سو با جذب منابع سرمایه و فناوری می‌تواند به توسعه زیرساخت‌های اقتصادی کشور بپردازد و از سوی دیگر با دیپلماسی اقتصادی خود می‌تواند بازاریابی نماید. در واقع دیپلماسی با پایش نیاز بازارهای منطقه و سایر کشورها اطلاعات لازم را در اختیار تولیدکننده داخلی قرار می‌دهد. چراکه هدف برای حمایت از تولیدکننده داخلی و تقویت صادرات است.

منابع خارجی در کنار منابع داخلی می‌تواند در راستای توسعه اقتصادی کشور بسیج شوند. در واقع با بسیج این امکانات و به‌کارگیری آنها می‌توان توسعه و مقاوم‌سازی اقتصادی را که از اهداف عالی کشور است، شکل داد. دست‌یابی به این منابع به راحتی ممکن نخواهد بود و برخی از موانع و مشکلاتی که در منطقه وجود دارد می‌تواند دست‌یابی به این مهم را مختل سازد. در این راستا پژوهش حاضر با دغدغه شناسایی موانع و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت از این مشکلات، در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که اقتصاد سیاسی سیاست خارجی ج.ا.ایران در تحقق الگوی پیشرفت با چه چالش‌هایی در سطح منطقه مواجه است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بحران نظامی‌گری در منطقه که ناشی از اقدامات قدرت‌های فرا منطقه‌ای و سوءبرداشت از رفتار ایران در منطقه است، درآمدهای نفتی و جهت‌گیری‌های سیاسی و همچنین توسعه مراودات تجاری و اقتصادی ضعیف با همسایگان از چالش‌های منطقه‌ای سیاست خارجی در تحقق محور «تدابیر» الگوی پیشرفت به‌ویژه بند ۳۲ این محور شناخته می‌شود.

پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته است به بررسی موانع منطقه‌ای تحقق الگوهای پیشرفت و به‌ویژه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نپرداختند. حال پژوهش حاضر موانع منطقه‌ای را در تحقق این الگوی پیشرفت در بعد اقتصادی به‌ویژه بند ۳۲ محور «تدابیر» نشان می‌دهد و با ارائه الزاماتی برای ارتقای سند، بسترهای تحقق الگوی مذکور را فراهم می‌نمایند. نوآوری پژوهش حاضر بدین شرح است که با بررسی دقیق چالش‌های منطقه‌ای سیاست خارجی، از یک سو می‌توان به‌طور دقیق‌تر، سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را در بعد اقتصادی محور «تدابیر» ارتقا داد و از سوی دیگر با در نظر گرفتن چنین تدابیری می‌توان الزاماتی را برای دیپلماسی اقتصادی کشور فراهم کرد.

در این راستا، پژوهش حاضر بر آن خواهد بود تا با استفاده از چارچوب مفهومی اقتصاد سیاسی، روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به منابع استنادی که مبتنی بر بررسی کتب، مقالات، منابع اینترنتی و تحلیل‌های نویسنده است به مسئله پژوهش پاسخ دهد. در این روش ضمن تصویرسازی چالش‌ها و بحران‌هایی که اقتصاد سیاسی سیاست خارجی کشور در منطقه با

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

آن مواجهه است، به دلایل چگونه بودن و چرایی این چالشها و ابعاد آن نیز پرداخته می‌شود. با توجه به چنین شناختی می‌توان تدابیری را برای ارتقای سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در نظر گرفت، تا از این طریق عملیاتی شدن بند ۳۲ محور «تدابیر» فراهم شود.

بدین ترتیب ابتدا سعی خواهد شد در مورد چارچوب مفهومی این پژوهش که در مورد سیاست خارجی کارآمد و دیپلماسی منبعث از آن است بحث شود تا از این طریق بسترهای تحقق بعد اقتصادی الگو فراهم شود. در بخش دوم به وضعیت نظامی‌گری در منطقه، نقش آمریکا و سوءبرداشت‌هایی که در مورد ایران وجود دارد اشاره می‌شود. در بخش سوم نیز به درآمدهای نفتی و تأثیری که آن در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ج.ا.ایران دارد اشاره می‌شود. در بخش چهارم وضعیت اقتصادی و بازرگانی ج.ا.ایران در منطقه مورد توجه قرار می‌گیرد. در نهایت در نتیجه گیری نیز یک جمع‌بندی از مباحث و ارائه الزاماتی برای ارتقای سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، در راستای مقابله با این چالشها و عملیاتی شدن بند ۳۲ محور «تدابیر» خواهیم داشت.

### ۲. چارچوب مفهومی

کشورهای در حال توسعه برای اینکه شکاف خودشان را با کشورهای توسعه‌یافته کاهش دهند و بتوانند به توسعه برسند، نیازمند یک دولت قوی هستند. در این کشورها، نقش دولت برای توسعه می‌تواند مفید واقع شود و این امر زمانی مهم جلو می‌کند که نقش سیاست خارجی در تقویت توسعه مورد توجه قرار گیرد (Spohr & Silva, 2017: 159). ابتکارات سیاست خارجی عمل‌گرا، که توسط دولت‌های توسعه‌گرا اتخاذ می‌شود، به تحریک رشد و بهبود اقتصاد کشور کمک می‌کند. همچنین در سایه این رشد می‌توان انتظار رفاه اقتصادی و بهبود وضعیت اجتماعی مردم را هم داشت. احیای اقتصاد داخلی و بهبود معیشت مردم تنها از طریق اتخاذ روابط اقتصادی خارجی قوی ممکن خواهد بود (Md Khalid, 2009: 335). برای اینکه دولت بتواند از منابع و امکانات خارجی در راستای توسعه استفاده نماید و به‌طور کلی با اقتصاد بین‌المللی در ارتباط باشد چند دیدگاه کلان وجود دارد. این نظریات راهنما و تدوینگر اقتصاد سیاسی سیاست خارجی دولت در امر توسعه و پیاده‌سازی الگو محسوب می‌شوند.

۱. نظریه مارکسیست-لنینیستی معتقد است که سرمایه‌داری به مداخله اقتصادی و سیاسی در محیط بین‌الملل، برای غلبه بر کاستی‌های داخلی خود نیاز دارد. از این رو فرایند تصمیم‌گیری و جهت‌دهی سیاست خارجی بازتابی از منافع طبقه سرمایه‌داری و شرکت‌های بزرگ تجاری است. این‌ها همان مارکسیست‌های ابزارگرا هستند و دولت را ابزار یک طبقه خاص همچون سرمایه‌دار و تجار می‌بینند (صارمی شهاب، ۱۳۸۸: ۲۰۳). مارکسیست‌ها بر این نکته تأکید دارند که منطق انباشت سرمایه‌داری، توسعه‌طلبی در سطح بین‌المللی را به دنبال دارد که این امر از طریق بازرگانی و صدور سرمایه، به‌منظور کسب نرخ‌های سود بالاتر ممکن می‌شود. سرمایه‌داری نیازمند به یک اقتصاد جهانی باز است تا بدین‌وسیله به

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اقتصاد دیگر کشورها برای صدور کالاها و سرمایه خودش دسترسی داشته باشد؛ چراکه بقای نظام سرمایه‌داری به تولید بیشتر و صدور آن بستگی دارد. نظریه‌های وابستگی با تأکید بر دو منطقه مرکز و پیرامون معتقدند که کشورهای مرکز برای دستیابی به ثروت و منابع به کشورهای پیرامون روی آورده‌اند و این امر موجب توسعه‌نیافتگی کشورهای توسعه‌نیافته و توسعه‌نیافتگی کشورهای توسعه‌یافته شده است (Woods, 2001: 10). با این وجود مارکسیسم به عنوان یک نظریه اقتصاد سیاسی نمی‌تواند به نقش عوامل سیاسی و استراتژیک در روابط بین‌الملل توجه داشته باشد. اگرچه رقابت برای دستیابی به بازار موجب درگیری و جنگ می‌شود ولی برای تبیین سیاست خارجی دولت‌های سرمایه‌داری نمی‌تواند مفید باشد (موثقی، ۱۳۸۷: ۱۹۴).

۲. لیبرال‌ها؛ از دید لیبرال‌ها، خط و مشی اقتصاد سیاست خارجی از طریق اولویت گروه‌های ذی‌نفع و منافع سازمان‌دهی شده در ائتلاف با اجزای بوروکراسی حکومتی شکل می‌گیرد. نکته حائز اهمیت این است که اقتصاد بین‌الملل منافع داخلی را به شیوه‌های مختلف متأثر می‌سازد و صاحبان این منافع با درگیر شدن در فرایند تصمیم‌گیری در جستجوی نفوذ بر ماهیت خط‌مشی سیاست خارجی هستند (صارمی شهاب، ۱۳۸۸: ۲۰۵-۲۰۴). این کشمکش‌ها را می‌توان در فرایند تصمیم‌گیری مشاهده کرد. هریک از نظریات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، الزامات خاصی را در رابطه با «اقتصاد و سیاست» و همچنین رابطه «دولت و سیاست‌های داخلی و خارجی» نشان می‌دهند. نظریه لیبرال نیز مستثنا از این قاعده نیست. این نظریه با تأکید بر نقش بازار در رشد و توسعه اقتصادی کشور به‌طور غیرواقعی بینانه‌ای نقش و تأثیر سیاست‌های دولت را نادیده می‌گیرد. در نتیجه این رهیافت نیز، رویکرد واقع‌بینانه‌ای نسبت به اقتصاد سیاست خارجی ندارد (موثقی، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

نظریه پردازان اقتصاد نئوکلاسیک که در زمینه توسعه اقتصادی تسلط یافتند، تأکید کردند که تجارت بین‌الملل می‌تواند جایگزینی برای تقاضای کم کالاهای داخلی باشد. آن‌ها استدلال می‌کنند مهم‌ترین نکته‌ای که دولت‌ها باید برای ایجاد یک موقعیت اقتصادی در مسیر رشد مستقل و رشد پایدار پیدا کنند، حذف موانع تجارت بین‌المللی کالاها است (Adelman, 2003: 5). در این دیدگاه، برنامه‌های آزادسازی داخلی و بین‌المللی برای ایجاد رشد اقتصادی پایدار و تغییر ساختاری می‌تواند، در راستای توسعه قلمداد شود. نهادگرایان لیبرال وابستگی متقابل اقتصادی بین دولت‌ها را مطرح می‌کنند. از دید آن‌ها چنین تعاملاتی دولت‌ها را به اتخاذ سیاست عقلایی که منجر به همکاری بیشتر و نه کشمکش بین‌المللی می‌شود، وامی‌دارد. این نظریه صرفاً بر بازار تأکید دارد و معتقد است که اگر هیچ مانعی وجود نداشته باشد همه می‌توانند از تجارت آزاد استفاده نمایند. پس دولت نباید در بازار دخالت داشته باشد، هرچند که در اجماع پسا واشنگتن این رویکرد مقداری تعدیل یافت.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۳. مرکانتلیسم؛ مرکانتلیست ها بر اهمیت دولت تأکید دارند و از دید این ها نقش دولت بسیار متفاوت از نگرش هایی است که دولت را پدیده منفعل در روابط با نیروهای جامعه تصور می کنند. دولت گرایان معتقدند تأکید مارکسیست ها و پلورالیست ها بر جایگاه تحلیلی جامعه، صحیح نیست (صارمی شهاب، ۱۳۸۸: ۲۰۶). اقدامات دولت می تواند صرفاً و مبتنی بر انگیزه های خود دولت باشد و نقش گروه های فشار در آن نادیده گرفته شود. مرکانتلیست ها دولت را به عنوان بازیگر اصلی مورد توجه قرار می دهند. این جریان اقتصاد سیاسی بین الملل، در مقابل لیبرالیسم قرار می گیرد و فرضیه های نظریه واقع گرایی را در روابط بین الملل مورد توجه قرار می دهد. آن ها به سیاست گذاری های فردی و انتخاب های سیاسی تأکید چندانی ندارند بلکه تمرکز عمده آن ها بر این اصل است که اقتصاد جهانی عرصه ای است که همه دولت ها در پی آن هستند تا بتوانند منافع و قدرت خودشان را به حداکثر برسانند (Woods, 2001: 9). از دید آن ها جهان آنارشیک مانع از همکاری میان کشورها می شود و تنها از طریق شکل گیری هژمون است که امکان همکاری فراهم می شود. در اینجا هدف برای بقا است و امنیت ملی به عنوان پایه و اساس اقتصاد سیاست خارجی محسوب می شود.

برخلاف مرکانتلیسم کلاسیک، نئومرکانتلیست ها پدیده ای فراملیتی محسوب می شوند و آن ها به منطقه ای کردن جهان به صورت بلوک های کم و بیش خودکفا اعتقاد دارند. آن ها همچنان سوءظن هایی که مرکانتلیست ها نسبت به تجارت آزاد دارند را حفظ می کنند. سیاست های تجاری آن ها برای پشتیبانی از تولیدکنندگان داخلی و حفظ کارآفرینی داخلی است. نئومرکانتلیسم به عنوان ایدئولوژی توسعه محسوب می شود که به همکاری دولت و کارآفرینی برای به حداکثر رساندن منافع منطقه ای تأکید دارد. مرکانتلیسم ها معتقدند که حکومت ها باید اهداف توسعه ای خودشان را با نقش حمایت گرایی در اقتصاد؛ ۱. تشویق به توسعه صادرات و ۲. ممنوعیت در واردات، دنبال کنند (Islahi, 2006: 4). در نگاه نئومرکانتلیسم، منطقه گرایی می تواند یک فضای مثبتی را، برای اقتصاد ایجاد نماید و این امر می تواند رشد و توسعه را برای کشور به دنبال داشته باشد (Okeke, 2016: 186-187). رهیافت نئومرکانتلیسم برای کشورهایی که هنوز از بنیان های تولیدی، صنعتی و رقابتی مناسبی برای حضور در محیط بین المللی برخوردار نیستند، می تواند مفید باشد.

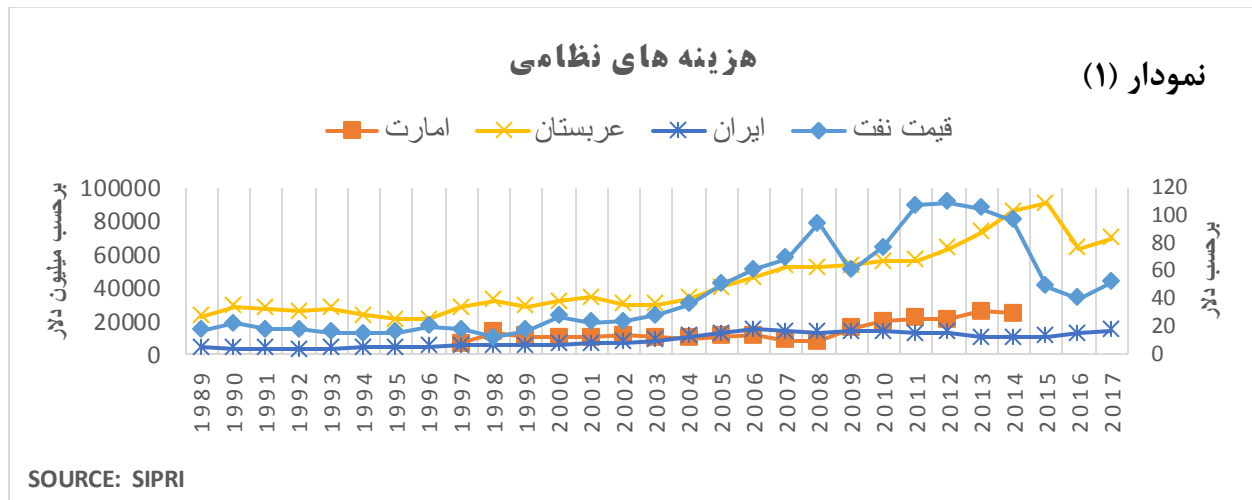
واقع گرایان یا ملی گرایان اقتصادی و نیز طرفداران مارکسیسم، روابط اقتصادی و تجاری را به طور اساسی منازعه آمیز می دانند و آن را سرچشمه تداوم درگیری ها، جنگ و ناامنی قلمداد می کنند. این دو به جای وابستگی متقابل، بر خودکفایی ملی که با نقش و دخالت محوری دولت همخوانی دارد، تأکید دارند. در مقابل لیبرال ها به نقش وابستگی متقابل در تجارت و نفع همگانی در این روابط اعتقاد دارند و معتقد به همزیستی و همکاری در سطح جهانی برای کاهش دخالت دولت در اقتصاد هستند (موثقی، ۱۳۸۷: ۱۹۱-۱۹۰). به نظر می رسد که این نظریات، نمی توانند الگوی مناسبی را برای سیاست خارجی ج.ا.ایران که در پی تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت است ارائه دهد. چراکه این دولت و سیاست خارجی برآمده از این الگو از یک سو به دنبال جنگ و افزایش تنش در محیط بین الملل-مانند نظریات

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

مرکانتلیسم یا واقع‌گرایی و مارکسیسم-نیستند و از سوی دیگر این دولت سعی ندارد با اعمال دستورالعمل‌های نظریه لیبرالیسم به آزد سازی تجاری در مراحل ابتدایی رشد و توسعه که نابودی زیرساخت‌های توسعه را به دنبال دارد، بپردازد. از آنجایی که این دولت سعی دارد از یک‌طرف سیاست خارجی مناسب، فارغ از تنش‌زایی و چندجانبه‌گرایی را (مطابق ماده ۵۶ الگو) در پیش گیرد و از طرف دیگر نیز حمایت از صنایع نوپا را (مطابق با الگوی اقتصاد مقاومتی-تقویت و توسعه صادرات غیرنفتی- و ماده ۳۲ الگو) در دستور کار خودش قرار دهد؛ به نظر می‌رسد که رویکرد نئومرکانتلیستی، بهتر می‌تواند الزاماتی را برای غنی‌تر کردن الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به‌ویژه بند ۳۲ محور «تدابیر» در نظر بگیرد و اقتصاد سیاسی سیاست خارجی ج.ا.ایران را برای حضور فعال و سازنده ج.ا.ایران در بازارهای منطقه، مطابق با الگوی مذکور تئوریزه نماید.

### ۳. نظامی‌گری در منطقه

در گذشته هزینه نظامی در منطقه و افزایش آن در برخی از کشورها؛ بیشتر به خاطر تهدیدی بود که این کشورها از سوی ایران و عراق احساس می‌کردند. حمله عراق به کویت بر حجم هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه مؤثر بود. ولی از سال ۱۹۹۲ هزینه‌های نظامی منطقه کاهش یافت. بدون شک شکست نیروهای صدام و حضور دائمی آمریکا در منطقه باعث شد تا ترس کشورهای منطقه از صدام و عراق کاهش یابد. ولی از سال ۲۰۰۱-۱۹۹۷ این هزینه‌ها افزایش پیدا کرده است. در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ جنگ با تروریسم، منجر به افزایش هزینه‌های نظامی این کشورها نشد، آنچه در افزایش هزینه‌های نظامی منطقه نقش داشت، بحث حمله نظامی آمریکا به عراق بوده است. همچنین باید گفت که ظهور پدیده بیداری اسلامی که بی‌ثباتی در عراق، یمن، لیبی و سوریه را به دنبال داشته است، در افزایش هزینه‌های نظامی از یک‌سو برای مقابله با این جریان و از سوی دیگر برای مقابله با سیاست‌های منطقه‌ای ایران مؤثر بوده است (Jarzabek, 2016: 2-3). سیاست خارجی غیر توسعه‌گرا و فاقد اهتمام به مقاومت‌سازی اقتصاد کشور در این مسئله خودش را به خوبی نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد، ج.ا.ایران به‌جای اینکه با یک‌رویه منسجم و مشخص؛ در راستای تعامل سازنده با کشورهای منطقه گام بردارد، چنین سیاست‌هایی را به شکل مقطعی دنبال کرد. همین امر مانع از آن شد که ایران بتواند از نظامی‌گری در منطقه جلوگیری کند. در سال‌های اخیر نیز بحث هسته‌ای و حضور ایران در منطقه، بر این بی‌اعتمادی‌ها و افزایش هزینه‌های نظامی افزوده است.



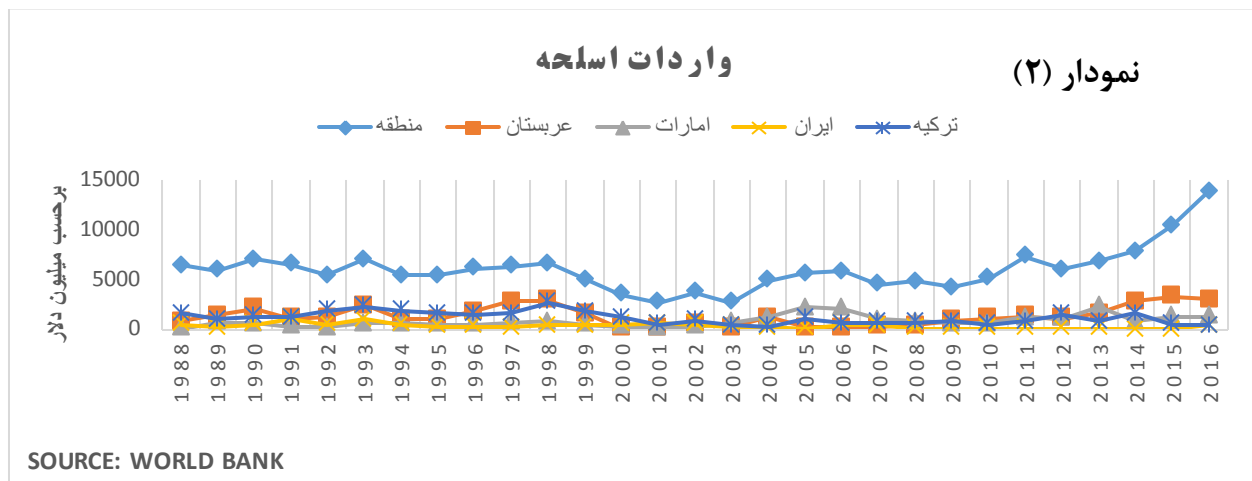
اگر کشورهای حوزه خلیج فارس به این اعتقاد برسند که ج.ا.ایران یک تهدید بزرگ علیه امنیت ملی آن‌ها محسوب می‌شود در این راستا پروژه ایران هراسی می‌تواند به اهداف خودش برسد و یک مسابقه تسلیحاتی بین کشورهای منطقه، برای افزایش قدرت نظامی ایجاد می‌شود. سود اصلی رقابت‌های تسلیحاتی و عدم وحدت میان کشورهای منطقه، به جیب کشورهای اروپایی و آمریکایی خواهد رفت؛ چراکه آن‌ها مشتریان دائمی خودشان را در حوزه تسلیحات خواهند داشت. مشتریانی که تحت تأثیر و توهم ایران توسعه طلب در منطقه قرار دارند و این تهدیدات و توهّمات توسط غربی‌ها در رسانه‌ها مطرح و به آن دامن زده می‌شود. با توجه به این تهدیداتی که از ایران در ادامه پروژه ایران هراسی<sup>۱</sup> شکل گرفته است، منافع امریکا<sup>۲</sup> را در غرب آسیا که مربوط به تأمین امنیت اسرائیل است، فراهم خواهد کرد (Soleiman Pour, 2017: 77). چراکه در این زمان، دشمن اصلی آن‌ها اسرائیل نخواهد بود بلکه ایران جایگزین اسرائیل به عنوان خطر و دشمن درجه یک منطقه تبدیل می‌شود.

نوع تسلیحاتی که توسط کشورهای خلیج فارس خریداری می‌شود نشان می‌دهد که این تسلیحات برای مبارزه با تروریسم نیست بلکه از یک تهدید خارجی که عمدتاً از سوی ایران احساس می‌شود، نشات می‌گیرد. چراکه این تسلیحات تا حد زیادی مربوط به سلاح‌های سنگین متعارف از قبیل هواپیمای جنگی، وسایل نقلیه زرهی و سیستم موشکی است (Jarzabek, 2016: 1). از سوی دیگر باید به متغیر قیمت نفت هم توجه داشت. زمانی که قیمت نفت بالا بوده است هزینه‌های نظامی کشورهای منطقه هم به موازات آن افزایش یافت. در سال‌های اخیر هرچند که قیمت نفت پایین بوده است ولی هزینه نظامی همچنان بالا است. برای نمونه در سال ۲۰۱۲ با نفت ۱۰۹ دلاری، هزینه نظامی ایران و

۱. پروژه ایران هراسی مبتنی است بر شش محور، ۱. دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای، ۲. پشتیبانی از تروریسم، ۳. نقض حقوق بشر، ۴. تکنولوژی‌های تدافعی و تهاجمی ایران، ۵. مداخله در امور کشورها و ۶. مخالف با صلح و ثبات منطقه (Soleiman Pour, 2017: 74).  
 ۲. اهداف منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه به این شرح است: ۱. دسترسی به جریان آزاد نفت، ۲. جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای، ۳. مبارزه با تروریسم، ۴. تأمین امنیت اسرائیل و ۵. ترویج دموکراسی (Daniel & Moller, 2016: 1).

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ها، چالش ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

عربستان به ترتیب حدود ۱۳ میلیارد دلار و ۶۳ میلیارد دلار بوده است و این رقم در سال ۲۰۱۷ با نفت ۵۲ دلاری، هزینه نظامی ایران حدود ۱۴ میلیارد دلار و هزینه نظامی عربستان حدود ۶۹ میلیارد دلار شد. همچنین در سال ۲۰۱۶ با نفت ۴۰ دلاری واردات اسلحه عربستان حدود ۳ میلیارد دلار و واردات اسلحه ایران حدود ۴۰۰ میلیون دلار بوده است. این آمارها نشان از تداوم بی‌اعتمادی‌ها و دامن زدن به آن است.



در میان کشورهای صادرکننده تسلیحات به غرب آسیا، آمریکا بزرگ‌ترین تأمین‌کننده اسلحه در کشورهای منطقه برای چند دهه بوده است. با این حال تولیدکنندگان دیگری همچون روسیه، فرانسه و چین نیز در این منطقه به اعمال فعالیت می‌پردازند. آمریکا با فروش اسلحه به کشورهای منطقه سعی دارد تا به حضور و نفوذ خودش در الگوی سیاسی و نظامی منطقه بپردازد. همچنین باید خاطر نشان کرد که صنعت دفاعی آمریکا برای حفظ و گسترش تولید و ارزآوری خودش به کشورهای منطقه و رقابت تسلیحاتی آن‌ها نیاز دارد. بر این اساس نظامی بودن منطقه از جمله اهداف آمریکا است که با ایران هراسی در پی تعقیب آن است (Clayton, 2017: 1-2). گزارش موسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که هزینه‌های نظامی تمام کشورهای منطقه غرب آسیا، به‌غیر از لبنان، قطر، امارات و سوریه؛ در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۷ درصد در مقایسه با سال ۲۰۱۵ کاهش داشته است و حدود ۱۹ درصد نسبت به سال ۲۰۰۷ افزایش را نشان می‌دهد (SIPRI: April, 2017). در سال ۲۰۱۷ نیز هزینه‌های نظامی منطقه حدود ۶٫۲ درصد نسبت به سال ۲۰۱۶ و حدود ۲۹ درصد نسبت به سال ۲۰۰۸ افزایش داشته است (SIPRI: April, 2018).

به نظر می‌رسد سیاست خارجی ج.ا.ایران که مسئولیت تعقیب اهداف توسعه‌ای را بر عهده دارد، باید ثبات منطقه را حفظ کند نه اینکه در دور باطل رقابت‌های نظامی‌گری و تسلیحاتی منطقه قرار گیرد. گزارش موسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم نمودار (۱) حاکی از آن است که هزینه‌های نظامی ج.ا.ایران نسبت به کشورهای منطقه بسیار ناچیز است و

1. Stockholm International Peace Research Institute.



## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

این مقدار از هزینه نظامی برای تأمین امنیت ج.ا.ایران ضروری است. نکته آن است که ج.ا.ایران با تصویرسازی درست از خود، کشورهای منطقه را به کاهش رقابت‌های تسلیحاتی دعوت کند و خودش را وارد این رقابت‌ها نکند. در این راستا، مهم‌ترین الزام سیاست خارجی ج.ا.ایران برای تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت (حداقل بند ۳۲ محور «تدابیر») روشن‌گری (اهداف سیاسی و اقتصادی آمریکا) و تصویرسازی درست از خود است که این سیاست عمده‌تاً از طریق تنش‌زدایی هوشمندانه در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، استفاده حداکثری از قدرت نرم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی به‌منظور خنثی کردن تبلیغات منفی علیه ایران (خانی، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۷)، همزیستی مسالمت‌آمیز، اعتمادسازی و به‌طور کلی تعامل سازنده با کشورهای منطقه و جهان ممکن خواهد بود.

توجه به نقش فرصت‌سازی که از طریق سیاست‌های تعامل سازنده و روشن‌گری در مورد اقدامات مخرب آمریکا در منطقه صورت می‌گیرد، از جمله ضرورت‌هایی محسوب می‌شود که برای ارتقا و تحقق بند ۳۲ محور «تدابیر» سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، باید مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، نقش فرصت‌سازی سیاست خارجی ج.ا.ایران می‌تواند؛ همکاری، تعامل و ثبات منطقه‌ای را به دنبال داشته باشد. چنانچه سیاست خارجی آمریکا نیز توانسته است با ایران هراسی بسترهای تقویت صنایع دفاعی خود را در قالب نقش مذکور، فراهم سازد. حال کشورهای منطقه نیز از روی ناآگاهی، همراهی با سیاست‌های آمریکا را در پیش گرفتند و در خدمت رشد این صنایع هستند.

### ۴. درآمدهای نفتی و جهت‌گیری‌های کشور

رابطه نفت و سیاست خارجی یکی از موضوعات اصلی سیاست بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه است. نفت به‌عنوان متغیری محسوب می‌شود که می‌تواند بر سیاست خارجی تأثیر بگذارد. همان‌گونه که درآمدها نفتی می‌تواند عامل شکل‌گیری دولت رانتیر باشد و آن را به خودگردانی بدون اتکا به جامعه وادارد، این مهم را می‌توان به سیاست خارجی هم تعمیم داد. افزایش درآمدهای حاصل از نفت می‌تواند سیاست‌های اعتمادبه‌نفس و کنشگری را به دنبال داشته باشد. بر این اساس کشورهای صادرکننده نفت می‌توانند از یک‌سو هزینه کنشگری‌های غیر توسعه‌ای خودشان را در محیط‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تأمین کنند و از سوی دیگر، به تعقیب اهداف توسعه‌ای خودشان از طریق استفاده از درآمدهای ارزی، برای تولید ثروت و انتقال فناوری به کشور بپردازند. شواهد نشان می‌دهد در صورتی که قیمت نفت افزایش پیدا کند میزان انعطاف‌پذیری کشورها در حوزه سیاست خارجی کاهش می‌یابد. این الگو را می‌توان در ارتباط با کشورهای مختلف و در دوره‌های تاریخی متفاوت مورد توجه قرارداد (ساعی و پیام: ۱۳۹۱: ۱۰۰-۸۸).

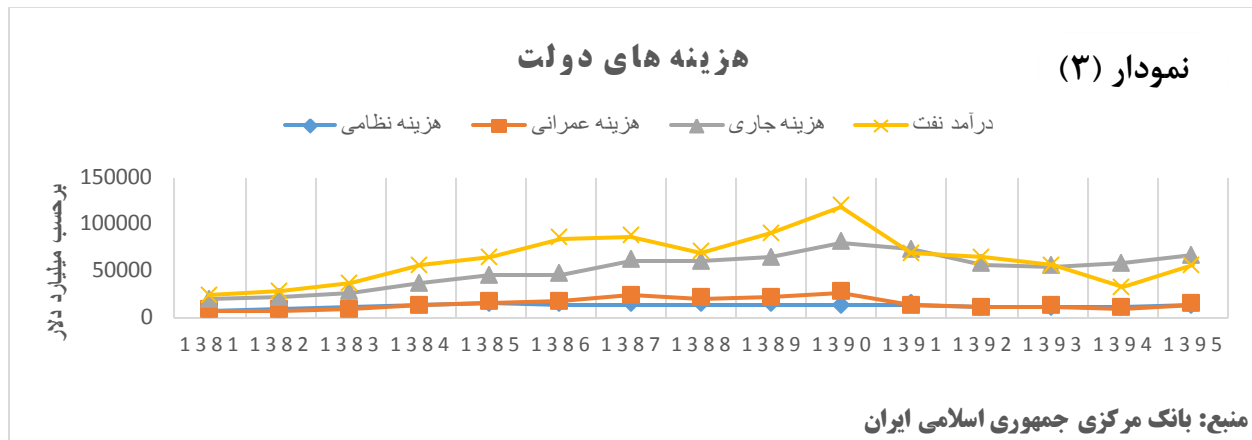
اتکا به درآمدهای حاصل از نفت، در شرایطی که قیمت نفت کاهش پیدا می‌کند، می‌تواند آسیب‌پذیری کشور را افزایش دهد و آن کشور را به اتخاذ سیاست‌های تدافعی و هنجار پذیر سوق دهد. چنین وضعیتی را می‌توان برای ج.ا.ایران هم مطرح کرد. وابستگی ایران به نفت که به‌عنوان ستون اصلی و مهم اقتصادی آن محسوب می‌شود، موجب شده است که

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

ایران به شدت نسبت به نیروهای خارجی و فشارهای اقتصادی بین‌المللی آسیب‌پذیر باشد (Güngören, 2015: 3). این بدان معنا است که فشارها می‌تواند از طریق تحمیل تحریم‌ها و اعمال ممنوعیت‌ها افزایش یابد تا بدین‌وسیله سیاست خارجی را تغییر دهد. چه بسا اگر منابع حاصل از نفت در راستای تولید ثروت به کار گرفته می‌شد و تنوع صادرات کالا و خدمات وجود داشت، آسیب‌پذیری کشور در زمان تحریم‌ها به شدت کاهش پیدا می‌کرد. همچنین باید این نکته را هم خاطرنشان کرد که اگر بخش خصوصی در کشور فعال باشد و در دیپلماسی اقتصادی نیز دارای نقش باشد. در نتیجه امکان اتخاذ سیاست‌های حساسیت‌زا در سیاست خارجی ممکن نخواهد بود و سیاست خارجی را عمل‌گراتر و تعاملی‌تر می‌کند.

یکی از معیارهای که برای سنجش عملکرد سیاست خارجی کشورها مورد توجه قرار می‌گیرد این است که سیاست خارجی آن کشور تا چه حدی توانسته است به رشد اقتصادی و اجتماعی آن کشور کمک کند. سیاست خارجی‌ای که رویکرد توسعه‌ای و مقاوم‌سازی اقتصاد دارد می‌تواند نقش مهمی را در این حوزه ایفا نماید. سیاست خارجی احمدی‌نژاد منبع تنش و رویکردهای تقابلی هم با محیط منطقه‌ای و همسایگان و هم در سطح بین‌المللی بوده است. احمدی‌نژاد به واسطه قیمت بالای نفت توانست، سیاست خارجی فاقد اهتمام به مقاوم‌سازی اقتصاد ملی را پیش ببرد (Jathol et al, 2017: 95-97). به نظر می‌رسد که قیمت نفت و درآمدهای حاصل از آن؛ موجب انحراف سیاست خارجی ج.ا.ایران از مسیر توسعه و مقاوم‌سازی اقتصاد شد چنانچه رویکردهای تقابلی و غیر مقاوم‌سازی اقتصاد در سیاست خارجی کشور شاهدهی بر این مدعا است. شواهد حاکی از آن است که درآمدهای نفتی کشور در طول سه دهه گذشته به جای اینکه در هزینه‌های عمرانی و توسعه‌ای کشور صرف شود، بیشتر در حوزه‌های غیر توسعه‌ای-هزینه‌های جاری-مورد استفاده قرار گرفتند.

هر وقت درآمدهای حاصل از نفت افزایش پیدا می‌کرد؛ هزینه‌های جاری دولت نیز به تبع آن گسترش می‌یافت. اتکا به درآمدهای نفتی و ارائه خدمات مقطعی به شهروندان مانع از توسعه زیرساخت‌های کشور شده است. همچنین هزینه‌های نظامی-چنانچه فراتر از حد معقول باشد-هم از جمله هزینه‌هایی محسوب می‌شود که در قالب هزینه‌های غیر مقاوم‌سازی اقتصاد قرار می‌گیرد. موضوع اقتصاد و رابطه آن با نظامی‌گری از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. اقتصاد یک کشور می‌تواند از طریق فعالیت‌های نظامی رشد یابد (همان‌طوری که در مورد صنایع دفاعی آمریکا گفته شده است) و هم اینکه به دلیل هزینه در این بخش، بخش‌های عمرانی مورد توجه قرار نمی‌گیرد که این امر می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد. هرچند که برخی از کشورها از طریق فروش اسلحه توانسته‌اند سود کسب کنند؛ ولی برای کشورهای در حال توسعه، هزینه‌های نظامی بالا؛ توسعه اقتصادی را تحلیل می‌برد (گل خندان و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۲)، چراکه منابع محدود است و باید آن‌ها را مدیریت کرد.



طبق گزارش موسسه بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم هزینه نظامی ایران در سال ۲۰۱۶ - ۲۰۰۷ به میزان ۷,۳ درصد کاهش یافته است. اما بین سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۵ هزینه نظامی ایران حدود ۱۷ درصد افزایش داشته است. علت این افزایش هزینه‌ها به خاطر لغو تحریم‌های بین‌المللی و بهبود درآمدهای ایران بوده است (SIPRI: April, 2017). چنانچه به گفته فیلیپ نیکولز؛ به دنبال رفع تحریم‌های هسته‌ای حدود ۵۸ میلیارد دلار از دارایی مسدود شده ایران آزاد آزاد شد (Site Wharton, 27 Oct 2015). همچنین طبق این گزارش با برداشته شدن تحریم‌های اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد، ۳۷ درصد هزینه نظامی ایران بین سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۴ افزایش یافته است (SIPRI: April, 2018). نکته قابل توجه این است در این برهه زمانی به جای اینکه توسعه زیرساخت‌های کشور مورد توجه قرار گیرد تا اقتصاد کشور مجدداً مورد هدف تحریم‌ها قرار نگیرد، بازهم مشاهده می‌شود که هزینه‌های غیر مقاوم‌سازی اقتصاد بیش از هزینه‌های عمرانی است.

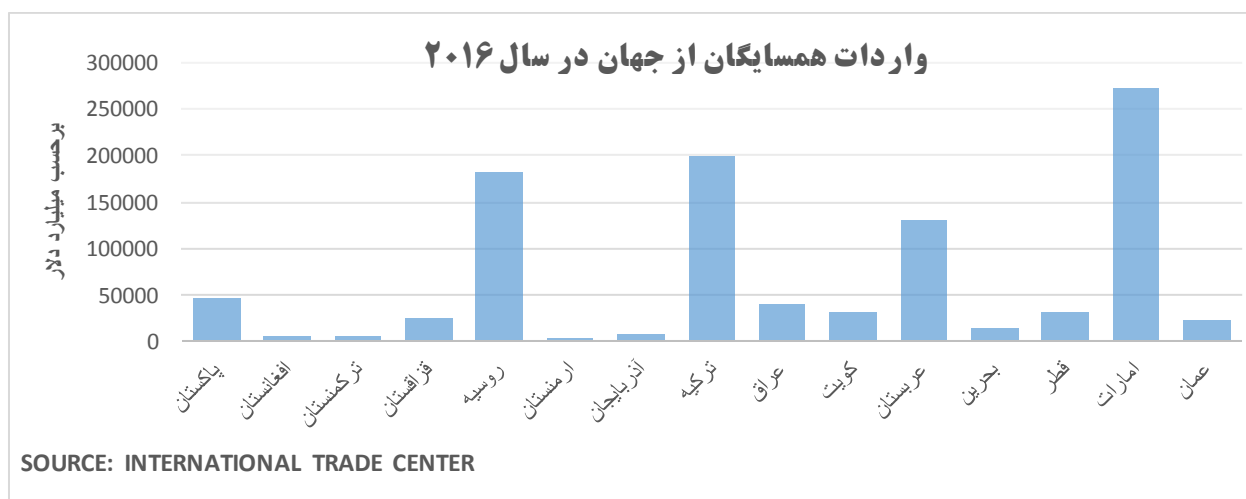
برای نمونه با درآمد نفتی ۳۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۴، هزینه‌های نظامی، عمرانی و جاری دولت به ترتیب حدود ۱۰، ۹ و ۵۷ میلیارد دلار بوده است که این هزینه‌ها در سال ۱۳۹۵ با درآمد نفت ۵۵ میلیارد دلار به ترتیب به ۱۲ میلیارد دلار، ۱۳ میلیارد دلار و ۶۵ میلیارد دلار رسید. این آمارها از یک‌سو نشان‌دهنده وابستگی هزینه‌های دولت به درآمدهای نفتی است و از سوی دیگر نشان‌دهنده سهم بالای هزینه‌های جاری و در موازات هم بودن هزینه‌های عمرانی و نظامی است. هدف از ارائه این آمارها، برای نشان دادن هزینه بالا نظامی کشور نیست چراکه طبق نمودار (۱) هزینه‌های نظامی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه بسیار ناچیز است، بلکه مقصود آن است که ج.ا.ایران با عدم تأثیرپذیری از درآمدهای نفتی در دور باطل رقابت‌های تسلیحاتی-افزایش هزینه نظامی-قرار نگیرد و همچنین هزینه عمرانی دولت نیز باید با کاهش هزینه جاری کشور افزایش پیدا کند. چنین موضوعاتی از جمله ضرورت‌هایی محسوب می‌شوند که باید در سند

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت مورد توجه قرار گیرد. تا بدین وسیله، سیاست خارجی با توجه به الزامات آن، بتواند عملیاتی شدن بعد اقتصادی الگوی مذکور را فراهم سازد.

### ۴. مناسبات تجاری ضعیف

توسعه صادرات نمی‌تواند به رشد و توسعه پایدار بیانجامد؛ چنانچه اگر، تحول و دگرگونی در بخش‌های صادراتی ایجاد نشود. تمرکز صادرات کشور به چند بازار و به چند محصول محدود؛ بی‌ثباتی درآمدهای ارزی کشور، برنامه‌ریزی سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه را به دنبال خواهد داشت. طرفداران تنوع صادرات مدعی هستند در صورتی که آن کشور صادرات خود را هم در محصولات و هم در بازارها متنوع سازد؛ آسیب‌پذیری کشور به شوک‌های خارجی کاهش می‌یابد. در این راستا جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند نقش مهمی را در کشف روش‌های جدید تولید و همچنین در تغییر دادن محتوای صادرات ایجاد کند (Stojčić & Orlić, 2016: 359). چراکه اثرگذاری سرمایه‌گذاری خارجی را می‌توان در رشد اقتصادی، اشتغال، انتقال فناوری‌های تولیدی، افزایش تحقیق و توسعه، افزایش بهره‌وری، تأثیر بر واردات و صادرات و تراز پرداخت‌ها جستجو کرد. متنوع کردن بازارهای صادراتی که امنیت اقتصادی کشور را افزایش می‌دهد، نیازمند تولید کالاهایی است که متناسب با نیاز بازارها باشد. این امر بر عهده دیپلماسی اقتصادی کشور است تا بتواند قابلیت نیازسنجی خود را در مورد نیاز بازارهای منطقه و جهان، به کالا و خدمات افزایش دهد. ارائه اطلاعات تجاری و نیاز بازارها به تولیدکننده داخلی، از جمله الزامات سیاست خارجی کشور برای تحقق بند ۳۲ الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در محور «تدابیر» محسوب می‌شود.



بررسی آمار واردات پانزده همسایه کشور از جهان نشان می‌دهد که همسایگان در سال ۲۰۱۶ حدود ۱۰۸۱ میلیارد دلاری واردات داشتند (Site ITC) که در این بین سهم ایران حدود ۲۲ میلیارد دلار معادل ۲,۱۸ درصد است. در بین همسایگان؛ ج.ا.ایران بیشترین صادرات را به امارات، عراق، ترکیه و افغانستان دارد که به ترتیب حدود ۷۴۰۰، ۶۱۰۰

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۳۲۰۰ و ۲۴۰۰ میلیون دلار است و کمترین صادرات مربوط به عربستان حدود ۲۳۵ هزار دلار است (Site ITC). از آنجایی که بند دوازدهم سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی افزایش تعامل با کشورهای منطقه و به‌کارگیری دیپلماسی اقتصادی نسبت به این کشورها راه برای کاهش آسیب‌پذیری مورد تأکید قرارداد است در نتیجه لازم است به همسایگان در راستای مقاوم‌سازی اقتصادی و کاهش هزینه مبادلات تجاری بیشتر توجه شود. چنانچه فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی و تقویت بخش صادرات در بند ۳۲ الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در محور «تدابیر» آمده است.

صادرات ایران به عراق از بازار ۴۰ میلیارد دلاری حدود ۶ میلیارد دلار، به افغانستان از بازار ۶٫۵ میلیارد دلاری حدود ۲٫۵ میلیارد دلار و به روسیه از بازار ۱۸۲ میلیارد دلاری حدود ۲۱۹ میلیون دلار و به عربستان از بازار ۱۲۹ میلیارد دلاری حدود ۲۳۵ هزار دلار است (Site ITC). با شناسایی بازار و نیازهای این چهار کشور می‌توان ظرفیت تولید و صادرات غیرنفتی کشور را افزایش داد. یحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی ایران-عراق در این زمینه می‌گوید: «صادرات غیرنفتی ایران حدود ۴۰ میلیارد دلار است و این رقم تا سقف ۱۰۰ میلیارد دلار قابل توسعه خواهد بود» (تجارت فردا، ۲۳ آذر ۱۳۹۳). پایین بودن میزان صادرات این محصولات نه در نبود ظرفیت تولید، بلکه در فعال نبودن ظرفیت تولیدی و موانع صادراتی است. برای نمونه می‌توان گفت که تنها ۴۰-۳۰ درصد از ظرفیت واحدهای لبنی کشور فعال هستند (ایرنا، ۳۰ آذر ۱۳۹۶) و فقط ۷ درصد از این محصولات صادر می‌شوند (ایسنا، ۱۹ مهر ۱۳۹۶). به نظر می‌رسد فعال کردن ظرفیت‌های تولیدی و افزایش صادرات کشور، به دیپلماسی اقتصادی فعال نیاز دارد. چراکه از یک‌سو باید نیاز کشورهای همسایه در مصرف کالاها شناسایی و از سوی دیگر مشکلاتی که در حوزه مبادلات تجاری و ارزی وجود دارد، رفع شود.

ج.ا.ایران می‌تواند همکاری اقتصادی با کشورهای منطقه را مطابق بند دوازدهم سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی و بند ۳۲ الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت در دستور کار خود قرار دهد و از این طریق سعی نماید تا نگرانی این کشورها را در مورد خودش کاهش دهد. لازمه این امر اعتمادسازی و ارائه تصویر همکاری جویانه و نه منازعه آلود و حتی رقابتی با این کشورها است. هرچند که توافق‌نامه‌هایی بین ایران و کشورهای منطقه منعقد شده ولی بسیار ناچیز است و این موافقت‌نامه‌ها نتوانسته است بسترهای رشد ایران را فراهم نماید. کل موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای ایران در جهان در سال ۲۰۱۸ حدود ۴۲ موافقت‌نامه تجاری<sup>۱</sup> بوده است که از بین ۱۵ موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای ایران در آسیا، حدود ۳ موافقت‌نامه با همسایگان (عراق، ترکیه و پاکستان) است (Site WTO).

۱. ۱۰ موافقت‌نامه تجاری با کشورهای آمریکا لاتین (شیلی، آرژانتین، برزیل، بولیوی، پرو، اکوادور، کلمبیا، ترینیداد و توباگو، ونزوئلا و گویان)، ۳ تا با کشورهای امریکای مرکزی (مکزیک، نیکاراگوئه و مکزیک)، ۱۴ تا با کشورهای آفریقایی (زیمبابوه، موزامبیک، تانزانیا، کامرون، نیجریه، بنین، غنا، گینه، مراکش، الجزایر، لیبی، مصر، سودان و تونس) و ۱۵ تا با کشورهای آسیایی (هند، سریلانکا، بنگلادش، میانمار، تایلند، سنگاپور، ویتنام، مالزی، اندونزی، فیلیپین، کره شمالی، کره جنوبی، عراق، ترکیه و پاکستان) (Site WTO).

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در این راستا، ضروری است که ج.ا.ایران در کشورهای منطقه به ویژه در بازار ۱۸۰ میلیونی اوراسیا (روزنامه دنیای اقتصادی، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۷)<sup>۱</sup> از یک سو، به خاطر گستردگی بازار و از سوی دیگر به خاطر نزدیکی جغرافیایی؛ حضور فعالی داشته باشد. اما فعالیت ج.ا.ایران در اتحادیه اوراسیا هنوز به مرحله اجرایی نرسیده است. به گفته قائم مقام اتاق بازرگانی ایران و روسیه (۴ اوت ۲۰۱۸)، ایران در آستانه پیوستن به اتحادیه گمرکی اوراسیا است (Site azernews, 4 August 2018).

آمارها نشان می‌دهد که پراکندگی موافقت‌نامه‌های تجاری ج.ا.ایران بسیار زیاد است و بیشتر کشورهایی را شامل می‌شود که از ایران بسیار دور هستند. تنها کشورهایی همچون ترکیه، عراق، پاکستان و تا حدودی هند، سربلانکا و بنگلادش جزء کشورهایی محسوب می‌شوند که در نزدیکی مرزهای ایران هستند. این در حالی است که پراکندگی موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای ترکیه بیشتر در اطراف مرزهای آن است. برای نمونه می‌توان به کشورهایی همچون ایران، اردن، فلسطین، اسرائیل، سوریه، گرجستان، مصر، آلبانی، یوگسلاوی، بوسنی و هرزه گوین، مونته‌نگرو، سربیا و مولداوی اشاره کرد (Site WTO). این امر وجود سیاست خارجی توسعه‌گرا و مبتنی بر مقاوم‌سازی اقتصاد را، در ترکیه نشان می‌دهد. به همین دلیل فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی با همسایگان می‌تواند نقش مهمی را در تقویت صادرات و حمایت از تولید داخلی داشته باشد. چنانچه ضرورت همکاری اقتصادی با همسایگان باید در سند الگوی پیشرفت مورد توجه قرار گیرد.

### ۵. نتیجه‌گیری

دولت ج.ا.ایران باید بتواند از طریق همکاری در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی اهداف کشور را مطابق با الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت دنبال نماید. در واقع الزامات توسعه‌ای داخل کشور، سیاست خارجی را به سمت رویکرد همکاری جویانه و تنش‌زدا، در جهت جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ورود فناوری‌های پیشرفته به داخل کشور هدایت می‌کند. بدین ترتیب سیاست خارجی با تعامل سازنده با کشورهای منطقه و جهان باید به دنبال فعال‌سازی ظرفیت‌های داخلی کشور و استفاده از منابع و امکانات بیرونی باشد. در چنین شرایطی می‌توان بسترهای تحقق بعد اقتصادی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را محقق ساخت.

تحقق چنین هدفی نیازمند توجه به یکسری از الزامات برای ارتقای الگوی مذکور است. هرچند که در بند ۵۶ محور «تدابیر» سند الگوی پیشرفت «بر چندجانبه‌گرایی، گسترش دیپلماسی عمومی و کمک به حکمیت و صلح بین‌المللی» تأکید شده است و این امر به نوبه خود می‌تواند در تحقق بند ۳۲ محور تدابیر مؤثر واقع شود. اما باید به الزاماتی دیگری نیز توجه داشت که از طریق آن بتوان عملیاتی شدن این بند را محقق کرد. در ادامه به برخی از این الزامات برای ارتقای

۱. روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، ازبکستان، ارمنستان و بلاروس.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

بعد اقتصادی محور «تدابیر» الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت اشاره می‌شود. الزاماتی که در سه مؤلفه اساسی؛ هماهنگی، فرصت سازی و بسترسازی باید مورد توجه قرار گیرد.

۱. توجه به نقش هماهنگی. در ابتدای امر باید به نخبگان بارو حیه مدیریت جهادی در وزارت امور خارجه و سایر نهادهای متولی اقتصاد توجه داشت. چنانچه نخبگان این نهادها با هماهنگی بین خود و دستگاه‌های مختلف از یک سو خودشان را درگیر موضوعات غیر توسعه‌ای نمی‌کنند و از سوی دیگر نیز با برنامه‌ریزی‌های منسجم و بلندمدت می‌توانند اهداف اقتصادی کشور را دنبال کنند.

۲. توجه به نقش فرصت سازی. الف) دوری جستن از موضوعاتی که هدف اصلی سیاست خارجی را به حاشیه می‌برد، از جمله این اقدامات محسوب می‌شود. ج.۱. ایران به جای اینکه تحت تأثیر نظامی‌گری منطقه قرار گیرد و منابع خود را در حوزه غیر توسعه‌ای خرج کند، با استقلال از این موضوعات و با روشن‌گری این مسئله، سعی کند اهداف الگو را که از طریق دعوت کشورهای منطقه به کاهش نظامی‌گری، وحدت کشورهای اسلامی، «توسعه پیوندهای راهبردی» و «دیپلماسی اقتصادی» تأمین می‌شود، دنبال نماید.

ب) استقلال سیاست خارجی در استفاده از درآمدهای نفتی برای پیشبرد موضوعات غیر توسعه‌ای از دیگر اقدامات دولت در نقش فرصت سازی سیاست خارجی قلمداد می‌شود. عدم خودگردانی و صرف اتکا به این موضوع غیر توسعه‌ای می‌تواند بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی-تدافعی و تهاجمی- و هزینه‌های دولت (با توجه به قیمت نفت) تأثیر منفی بگذارد. در این راستا با الزام سیاست خارجی به این نقش، می‌توان این موضوع غیر توسعه‌ای را، از تهدید به فرصت تبدیل کرد.

۳. توجه به نقش بسترسازی. فعال‌سازی این نقش و استفاده از امکانات و ظرفیت‌های کشورهای همسایه، منوط به انجام نقش‌های هماهنگ‌کننده و فرصت ساز سیاست خارجی است. با توجه به بازار خوبی که در کشورهای همسایه ایران وجود دارد؛ دستیابی به این بازارها، نیازمند دیپلماسی اقتصادی فعال است که از یک سو با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری بتوان ظرفیت‌های کشور را فعال کرد و از سوی دیگر با گسترش تعاملات با همسایگان، بسترهای تنوع بازار کالاهای ایرانی را از طریق انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای فراهم کرد.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

## منابع

### منابع فارسی

تجارت فردا، «تجارت خارجی از حاشیه تا متن»، ۲۳ آذرماه ۱۳۹۳، قابل دسترسی در: <http://www.tejaratefarda.com>.  
خانی، محمدحسن (۱۳۹۵)، «الزامات سیاست خارجی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۲۳، ۷۱-۶۱.

خبرگزاری ایرنا، ۳۰ آذرماه ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir>.  
خبرگزاری ایسنا، «۹۷ درصد صنعت لبنیات در ایران با مشکل بازار مواجه است»، ۱۹ مهرماه ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <https://www.isna.ir>

روزنامه دنیای اقتصادی، «آغاز رقابت در آسیا»، ۳۰ اردیبهشتماه ۱۳۹۷، قابل دسترسی در: <https://donya-e-eqtasad.com>

ساعی، احمد، پیام، فرشته (۱۳۹۱)، «تأثیر درآمدهای نفت بر جهت گیری سیاست خارجی دولت نهم»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۷، ۱۰۳-۸۷.

سایت بانک مرکزی، قابل دسترسی در: <https://www.cbi.ir>.  
صارمی شهاب، اصغر (۱۳۸۸)، «جهانی شدن و سیاست خارجی جمهوری ترکیه»، مجموعه مقالات در کتاب دولت و جهانی شدن در خاورمیانه به اهتمام دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.  
گل خندان، ابوالقاسم، خوانساری، مجتبی، گل خندان، داوود (۱۳۹۴)، «نظامی گری و رشد اقتصادی: شواهدی تجربی از کشورهای منطقه منا در قالب الگوی پانل پویا»، پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۸، ۵۰-۳۱.  
موتقی، احمد (۱۳۸۷)، «توسعه و سیاست خارجی توسعه گرا»، مجموعه مقالات کنفرانس سیاست خارجی توسعه گرا، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

### منابع انگلیسی

- Adelman, I. (2003). "The role of government in economic development". In Foreign Aid and Development (pp. 53-75). Routledge.
- Clayton Thomas Analyst in Middle Eastern Affairs October 11, 2017 . Arms Sales in the Middle East: Trends and Analytical Perspectives for U.S. Policy, Accessible in: <https://fas.org/sgp>.
- Daniel Byman and Sara Bjerg Moller. (2016). the United States and the Middle East: Interests, Risks, and Costs. This chapter will appear in: Sustainable Security: Rethinking American National Security Strategy, edited by Jeremi Suri and Benjamin Valentino .Oxford University Press.
- Güngören, A. F. (2015). Oiling the Iranian Foreign Policy; Oil in the Foreign Policy Orientation of Iran during the Presidency of Ahmadinejad 2005-2013 (Bachelor's thesis).
- Islahi, A. A. (2006). The emergence of mercantilism as a reaction against Muslim power: some of the evidences from history.
- Jarzabek, J. (2016). GCC Military Spending in Era of Low Oil Prices. Middle East Institute, Policy Focus Series.
- Jarzabek, J. (2016). GCC Military Spending in Era of Low Oil Prices. Middle East Institute, Policy Focus Series.



هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- Jathol, I., Qazafi, M., & Husain, T. (2017). Iran's Changing Foreign Policy Trends. *Asian Social Science*, 13(6), 95.
- Md Khalid, K. (2009). Malaysian foreign policy orientation and relations in the Post-Mahathir years.
- Okeke, D. (2016). Introducing Neo-mercantile Planning Theory. In *Integrated Productivity in Urban Africa*. Springer, Cham.
- Site azernews, "Iran in talks to join Eurasian Customs Union, official says", 4 August 2018, Accessible in: <https://www.azernews.az>.
- Site ITC, Accessible in: <http://www.intracen.org>.
- Site SIPRP, Accessible in: <https://www.sipri.org>.
- Site Wharton, "With Sanctions Lifting, What's in Store for Iran's Economy?", 27 oct 2015, Accessible in: <http://knowledge.wharton.upenn.edu>.
- Site WORLD BANK, Accessible in: <https://www.worldbank.org>.
- Site WTO, "Participation in Regional Trade Agreements", Accessible in: <https://www.wto.org>.
- Site WTO, "the Regional Trade Agreements Information System (RTA-IS)", Accessible in: <http://rtais.wto.org>.
- Soleiman Pour, P. (2017). The Impact of Iran Phobia on Arms Race in Persian Gulf after 2001. *Journal of History Culture and Art Research*, 6(1), 73-80.
- Spohr, A. P., & Silva, A. L. R. D. (2017). Foreign Policy's Role in Promoting Development: the Brazilian and Turkish Cases. *Contexto Internacional*, 39(1), 157-178.
- Stojčić, N., & Orlić, E. (2016). Foreign Direct Investment and structural transformation of exports. *Ekonomika misao i praksa*, (2), 355-378.
- Trends in world military expenditure, Fact Sheet SIPRI April 2017 and 2018, Accessible in: <https://www.sipri.org>.
- Woods, N. (2001). International political economy in an age of globalization. *The globalization of world politics*, 2.